

ژاور تراپی!

خودکشی فرجام غیرقابل اجتناب لگالیسم «بازرس ژاور» در نوول بینوایان بود.

ویکتور هوگو در بینوایان قانون گرائی افراطی (لگالیسم) بازرس ژاور را به فراست عاملی در عدم فهم دنیای رنگی و منعطف «ژان والژان» ترسیم کرد تا آن موجودیت نامنعطف را سرانجام در دوگانه «انسانیت و جرمیت» محکوم به زوال و انتحار کند.

چهلمین سالگرد انقلاب اسلامی نیز نوعاً تداعی تصلب و جرمیتی است که مانع از آن شده تا دولتمردان کاخ سفید بتوانند موجودیت خودباشانه «جمهوری اسلامی ایران» را بیرون از تفرعن و نظم و قانون تحمیلیشان بر نظام بین‌الملل، فهم کرده و برسمیت بشناسند.

در فاهمه هژمونیک آمریکائی «همه رعیت اند و برخی رعیت‌تراند!» و رعیت‌ترها آنهایند که در سمفونی هارمونیک آمریکائی بیشتر و بهتر برای کدخدا خوش رقصی کنند!

ظاهراً با گذشت چهل سال از جدال بی‌حاصل و سلطه طلبانه واشنگتن با حیات مستقل و خودباشانه جمهوری اسلامی تدریجاً وقت آن می‌رسد تا کاخ سفید نیز شعور زیستن بیرون از سلطه خودخوانده‌اش بر نظام بین‌الملل را «مشق» کند.

در غیر این صورت «ژاور درمانی» فرجامی است که خود را بر مناسبات آمریکا با ایران «دیگته» خواهد کرد.

#داریوش_سجادی

#بینوایان

#ویکتور_هوگو

#ژان_والژان

#بازرس_ژاور

#انقلاب_اسلامی

#چهلمین_سالگرد_انقلاب

#لگالیسم

#کاخ_سفید